



## قواعد فقهیه

### درس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه

١٢- تطبيقات على ضوء قاعدة لا تعاد

ما هو الحكم فى الفروع التالية على ضوء قاعدة لا تعاد؟

- ١- شخص صلى العشاء قبل المغرب بتخيل اداء المغرب أو صلى العصر قبل الظهر بتخيل اداء الظهر.
- ٢- شخص كان يقلد مجتهدا يقول بوجوب اداء الصلاة قصرا ثم قلّد ثانيا من يقول بوجوب التمام.
- ٣- صلى المكلف و هو لا يدري ان على بدنه أو ملبسه بعض أجزاء حيوان لا يحلّ أكل لحمه شرعا، كشعر القط مثلا.
- ٤- لو نسى المكلف الركوع قبل تجاوز المحل - أى قبل الدخول فى السجود - أو بعده.
- ٥- لو سبّح المصلّى بدل القراءة فى الركعة الأولى أو أتى بتشهد فيها.
- ٦- اذا اتضح عدم صحّة قراءة الامام بعد فترة من الزمن، أو عدم صحّة قراءة المكلف نفسه لو كان يصلى فرادى.
- ٧- اذا اتضح للمأموم ان الامام امرأة أو فاسق، أو يوجد حائل بينهما يمنع من صدق الجماعة؟
- ٨- امرأة كانت تغتسل غسل الحيض قبل انقضاء حيضها فترة من الزمن.
- ٩- شخص كان يغتسل أو يتوضأ فترة من الزمن و على بعض أعضائه حائل ثم التفت.
- ١٠- شخص كان يغسل أعضاء وضوئه ثلاث مرّات ثم التفت الى عدم جواز ذلك.
- ١١- ما حكم من تيمم بدل الوضوء باعتقاد ضيق الوقت ثم انكشف سعيه؟ و ما هو حكم العكس، أى من توضأ بدل التيمم باعتقاد سعة الوقت ثم انكشف الخلاف؟

## ۱۲- تمرینهایی در پرتو قاعده لاتعاد:

در این محور برای درک بهتر این قاعده تمرینهایی ارائه شده است تا با توجه به آنچه در دروس قبل راجع به قاعده لاتعاد گفته شد، دانش پژوه بتواند پاسخ این تمرین ها را به دست آورد.

### تمرین اول:

شخصی به خیال اینکه نماز مغربش را خوانده است، مشغول نماز عشاء می شود و بعد از نماز عشاء متوجه می شود که نماز مغرب را نخوانده بود یا شخصی که نماز عصرش را قبل از نماز ظهر خوانده در حالیکه خیال می کرده نماز ظهر را خوانده است ولی متوجه شد که نماز ظهر را نخوانده بود، حکم نماز این اشخاص چیست؟ آیا می توان با توجه به قاعده لاتعاد، حکم به عدم لزوم اعاده نماز کرد؟ پاسخ این است که اگر چه یکی از واجبات، رعایت ترتیب بین نماز مغرب و عشاء و همچنین ترتیب بین ظهر و عصر است لکن از آنجا که این حکم، از روایات استفاده می شود و به اصطلاح، سنت است و از طرف دیگر جزء آن پنج مورد استثناء شده در روایت نیست، می توان به مقتضای حدیث لاتعاد حکم به عدم لزوم اعاده برای چنین شخصی کرد و نماز او صحیح است.

### تطبيق

۱۲- تطبیقات علی ضوء قاعدة لاتعاد

۱۲- تمرینهایی در پرتو قاعده لاتعاد

ما هو الحكم في الفروع التالية على ضوء قاعدة لاتعاد؟

با توجه (در پرتو) قاعده لاتعاد، حکم فروع ذیل چیست؟

۱- شخص صلی العشاء قبل المغرب بتخیل اداء المغرب أو صلی العصر قبل الظهر بتخیل اداء الظهر.

۱- شخصی نماز عشاء را به خیال اینکه مغرب را اداء کرده، قبل از نماز مغرب خوانده یا به خیال اینکه نماز ظهر را ادا کرده، نماز عصر را خوانده است.

## تمرین دوم:

فرض کنید شخصی از مرجعی تقلید می کرد که فتوا به وجوب نماز قصر در فلان موقعیت را می داد و این مکلف با توجه به فتوای این مرجع تقلید تا مدتی نمازش را قصر می خواند؛ بعد از مدتی مقلد مرجع دیگری شد که فتوایش وجوب تمام خواندن نماز در همان شرایط بود؛ سوال این جاست که آیا می توان به مقتضای قاعده لاتعاد، حکم به لزوم اعاده نماز او کرد یا اینکه نماز او اعاده ندارد؟

در پاسخ به این سوال باید گفت: همانطور که در محور ششم این قاعده گفته شد، اگر کسی از روی عذر ولو عمداً برخی از اجزاء یا شرائط نماز را نیاورد، نماز او اعاده ندارد مگر اینکه یکی از پنج مورد روایت را کم یا زیاد کرده باشد و در این فرع، اگر چه این مکلف در خواندن نماز قصر، معذور بوده و حجت شرعی داشته زیرا فتوای مجتهد او چنین بوده ولی به هر حال، چون طبق نظر مجتهد فعلی، دو رکعت کم خوانده و در واقع، دو رکوع و چهار سجده را به جا نیاورده است، طبق حدیث لاتعاد باید گفت نماز او باطل است و باید اعاده شود.

## تطبیق

۲- شخص کان یقلد مجتهداً یقول بوجوب اداء الصلاة قصرأ ثم قلد ثانیاً من یقول بوجوب التمام.

۲- شخصی از مجتهدی تقلید می کرد که قائل به وجوب اداء نماز به صورت قصر بود، سپس برای بار دوم مقلد مجتهدی شد که قائل به وجوب اداء نماز به صورت تمام بود.

## تمرین سوم:

شخصی بعد از نماز متوجه شد که در بدن یا لباسش، اجزاء حیوان حرام گوشت مانند موی گربه وجود داشته و در حال نماز، متوجه این مطلب نبوده، سوال این است که آیا با توجه به قاعده لاتعاد می توان گفت که نماز او اعاده ندارد یا اینکه باید نمازش را اعاده کند زیرا یکی از شرطهای واجب نماز را رعایت نکرده است؟

در پاسخ باید گفت اگر چه یکی از شرائط صحت نماز این است که در بدن یا لباس نماز گزار، اجزاء حیوان حرام گوشت نباشد ولی این شرط، یکی از آن پنج مورد استثنا شده در حدیث لاتعاد نیست و از آنجا که تنها در صورتی که شرط یا جزء، یکی از آن پنج مورد باشد، لازم است نماز، اعاده شود و در غیر این صورت اعاده نماز لازم نیست، در اینجا باید گفت نماز چنین شخصی که از روی سهو، یکی از شرائط نماز را عمل نکرده، صحیح است و اعاده لازم ندارد.

## تطبيق

۳- صلی المکلف و هو لا یدری ان علی بدنه أو ملبسه بعض أجزاء حیوان لا یحلّ أكل لحمه شرعاً، کشر القط مثلاً.

۳- مکلف، نماز خواند در حالیکه نمی دانست که بر بدنش یا لباسهایش، بعضی از اجزاء حیوانی که شرعاً خوردن آن حلال نیست مانند موی گربه وجود داشته است.

## تمرین چهارم:

اگر مکلفی رکوع را در نماز فراموش کند ولی قبل از اینکه وارد جزء بعدی مانند سجده شود، یادش بیاید که رکوع را فراموش کرده تکلیف او چیست؟ اگر همین مکلف، بعد از اینکه وارد جزء بعدی شد، یادش آمد که رکوع به جا نیاورده است، تکلیفش چیست؟ آیا می توان با تمسک به حدیث لاتعداد در این دو صورت، حکم به عدم لزوم اعاده نماز برای چنین شخصی کرد یا نه؟

در پاسخ به این سوال باید دو صورت را به شکل جداگانه بررسی کرد.

اما صورت اول که رکوع را فراموش کرده و قبل از اینکه وارد جزء بعدی شود یادش آمد که رکوع را بجا نیاورده است، در اینجا، اگر برگردد و رکوع را بجا بیاورد، طبق حدیث لاتعداد، نماز او اعاده لازم ندارد زیرا همانطور که در محور هفتم گذشت، حدیث لاتعداد، مختص به حالت فراغ از عمل نیست بلکه اگر کسی در اثناء نماز هم متوجه شد که خللی به اجزاء و شرائط وارد کرده در صورتی که آن خلل به یکی از پنج مورد ذکر شده در روایت نباشد، نماز او اعاده ندارد و در اینجا بعد از اینکه متوجه شد و قبل از اینکه سجده را بجا بیاورد، اگر رکوع را بجا آورد، نماز او باطل نیست زیرا رکوع را کم نکرده و سجده ای را هم اضافه نکرده است.

اما صورت دوم که بعد از ورود به جزء بعدی مثل سجده، یادش آمد که رکوع را بجا نیاورده است، اگر برگردد و رکوع را بجا آورد، و بعد از رکوع نماز را ادامه دهد، چون یک سجده زائد انجام داده، طبق حدیث لاتعداد باید گفت نماز او اعاده دارد چون یکی از مواردی که در حدیث لاتعداد استثنا شده است و در صورت کم یا زیاد کردن آن باید نماز را اعاده کرد، سجود است؛ بله اگر گفته شود که مقصود از این سجود، مطلق سجده نیست بلکه دو سجده روی هم مقصود است - چنانکه فقهاء، دو سجده روی هم را رکن دانسته اند - می توان گفت که در این صورت هم نماز او اعاده ندارد.

## تطبیق

۴- لو نسی المكلف الركوع قبل تجاوز المحل - أي قبل الدخول فی السجود - أو بعده.

۴- اگر مکلف رکوع را قبل از اینکه محل آن بگذرد - یعنی قبل از داخل شدن در سجده - یا بعد از آن فراموش کند.

## تمرین پنجم:

اگر مکلفی در رکعت اول، بجای اینکه حمد و سوره بخواند، تسبیحات گفت و یا در رکعت اول، تشهد خواند، آیا می توان به مقتضای حدیث لاتعاد، حکم به عدم لزوم اعاده نماز چنین شخصی کرد؟ در پاسخ باید گفت: اگر این خواندن تسبیحات به جای حمد و سوره یا خواندن تشهد، سهوی باشد نه از روی عمد، از آنجا که کم یا زیاد کردن حمد و سوره (قرائت) و تشهد، یکی از پنج مورد استثنا شده در حدیث لاتعاد نیست، نماز چنین شخصی اعاده لازم ندارد.<sup>۱</sup>

## تطبیق

۵- لو سبَّح المصلی بدل القراءة فی الركعة الأولى أو أتى بتشهد فيها.

۵- اگر نماز گزار، به جای قرائت در رکعت اول، تسبیحات (اربعه) را بخواند یا در رکعت اول، تشهد بخواند.

---

<sup>۱</sup> - ناگفته نماند این مثالها صرفاً بر اساس قاعده لاتعاد است و این منافات ندارد که حکم فقهی چیز دیگری باشد و یا اینکه اگر در بین نماز، فهمید که خلل وارد کرده است، تکلیف دیگری داشته باشد؛ در تمرین بالا، اگر قبل از رکوع فهمید که تسبیحات را بجای حمد و سوره خوانده، باید حمد و سوره را بخواند و در واقع حدیث لاتعاد تا وقتی مفادش عدم اعاده است که اخلال او سهوی باشد، اما اگر قبل از رکوع، فهمید که حمد و سوره را نخوانده، اگر حمد و سوره را نخواند، در این صورت، از همان لحظه ای که متوجه شد، دیگر، اخلال او به این جزء سهوی نخواهد بود، بله حدیث لاتعاد، آن اضافه ای را که مرتکب شده یعنی تسبیحاتی که جای حمد سهوا خوانده را تصحیح می کند و به مقتضای لاتعاد بخاطر این اضافه سهوی لازم نیست نماز را اعاده کند.

## تمرین ششم:

اگر بعد از مدتی معلوم شود که قرائت نماز امام جماعت صحیح نبوده یا کسی که فرادا نماز می خواند بعد از مدتی فهمید که قرائت نمازش اشتباه بوده، حکم شرعی چیست؟ آیا می توان به مقتضای قاعده لاتعداد، حکم به عدم لزوم اعاده نماز در این دو صورت کرد یا اینکه باید نماز را اعاده کرد؟

در پاسخ می توان چنین گفت: از آنجا که قرائت نماز، از موارد سنت است نه فریضه و جزء پنج مورد استثنا شده در روایت لاتعداد نیست، لذا به مقتضای لاتعداد می توان گفت نماز مأموم، بعد از اینکه پس از مدتی فهمید قرائت امام صحیح نبوده و همچنین نماز فرادای کسی که بعد از مدتی فهمید قرائتش اشتباه بوده، اعاده لازم ندارد.<sup>۱</sup>

## تطبیق

۶- اذا اتضح عدم صحّة قراءة الامام بعد فترة من الزمن، أو عدم صحّة قراءة المكلف نفسه لو كان يصلّي فرادى.

۶- وقتی پس از (گذشت) مدتی از زمان معلوم شود که قرائت امام صحیح نبوده یا معلوم شود که قرائت خود مکلف در صورتی که نمازش را فرادا می خوانده است صحیح نبوده.

---

<sup>۱</sup> - نا گفته نماند که کسی که فرادا نماز می خواند اگر بعد از مدتی فهمید قرائتش اشتباه بوده در صورتی که جاهل قاصر بوده باشد، نمازش اعاده ندارد ولی اگر جاهل مقصر باشد به این معنا که تردید در صحت قرائت نمازش داشته باشد ولی با این حال، به دنبال یاد گیری نرود و بعداً برایش معلوم شود که قرائت نمازش باطل بوده، در اینجا نمی توان به مقتضای لاتعداد حکم به عدم لزوم اعاده نماز او کرد زیرا چنانکه گفته شد، حدیث لاتعداد، شامل جاهل مقصر نمی شود.



## تمرین هفتم:

در صورتی که برای مأموم معلوم شود امام جماعت، فاسق بوده یا اینکه زن بوده یا مانعی بین او و امام جماعت به وجود آید که مانع صدق عنوان جماعت شود، در این صور، نماز این شخص، چه حکمی دارد؟ آیا با لاتعاد می توان حکم به عدم لزوم اعاده کرد؟

در پاسخ باید گفت: از آنجا که در نماز جماعت، در واقع، امام جماعت است که خواندن حمد و سوره را بر عهده می گیرد؛ اگر به دلایلی معلوم شد که نماز جماعت باطل بوده، تنها به قرائت حمد و سوره، خلل وارد شده زیرا مابقی اجزاء نماز را مأموم بجا آورده است بنابراین طبق حدیث لاتعاد می توان گفت نماز مأموم اعاده ندارد زیرا قرائت حمد و سوره جزء آن پنج مورد استثنا شده در روایت نیست.

## تطبیق

۷- اذا اتضح للمأموم ان الامام امرأة أو فاسق، أو يوجد حائل بينهما يمنع من صدق الجماعة؟

۷- اگر برای مأموم روشن شود که امام جماعت زن و یا فاسق بوده یا اینکه مانعی بین امام و مأموم پیدا شود که مانع صدق جماعت شود.

## تمرین هشتم:

اگر زنی مدتها قبل از اینکه خون حیضش قطع شود، غسل حیض می کرده و بعد فهمید که این کار او اشتباه بوده و باید صبر می کرده که خون حیض کاملاً قطع گردد و بعد غسل می کرده و مدتی به همین منوال گذشته و نماز هم خوانده، سوال این است که تکلیف نماز هایی که با این حال می خوانده چیست؟

پاسخ این است که چون این زن، کاملاً پاک نشده بوده و با این حال، غسل می کرده است، غسل او اثری نداشته و بی فایده بوده است بنابراین بعد از قطع شدن خون می بایست دوباره غسل می کرده تا از حدث حیض، پاک شود؛ از آنجا که یکی از شرائط نماز، طهارت از حدث است، و این طهارت را در حین نمازهایی که خوانده نداشته و از طرفی، طهارت از حدث، یکی از موارد پنج گانه ای است که در روایت لاتعداد، استثنا شده که با وجود آنها باید نماز را اعاده کرد، به مقتضای حدیث لاتعداد باید گفت این زن، همه نماز هایی که با این حال خوانده را می بایست اعاده کند.

## تطبیق

۸- امرأة كانت تغتسل غسل الحيض قبل انقضاء حيضها فترة من الزمن.

۸- زنی در مدتی، قبل از اینکه حیض او از بین برود ( از خون حیض پاک شود) غسل حیض می کرده است.

## تمرین نهم:

فرض کنید شخصی در حالیکه در بعضی از اعضاء وضو و غسلش، مانعی بوده و متوجه آن نبوده، مدتی به همین منوال وضو می گرفته و غسل می کرده و بعداً متوجه این مانع شده است؛ حال سوال این است که نماز هایی که قبلاً با این حال خوانده چه حکمی دارد؟ آیا به مقتضای لاتعداد می توان گفت نماز او اعاده ندارد؟ پاسخ این سوال روشن است زیرا همانطور که گفته شد، یکی از موارد استثنا شده در حدیث لاتعداد، طهارت از حدث است و چون این شخص، در آن ایامی که در اعضاء وضو و غسلش مانعی بوده، به جهت باطل بودن وضو و غسلش، در واقع طهارت از حدث نداشته است، بنابراین طبق حدیث لاتعداد، باید تمام نماز هایی که با این حال خوانده است را اعاده کند.

## تطبیق

۹- شخص کان یغتسل أو يتوضأ فترة من الزمن و علی بعض أعضائه حائل ثم التفت.

۹- شخصی در طی مدتی، در حالیکه در بعضی از اعضائش مانعی بوده، غسل می کرده و وضو می گرفته است و بعداً ملتفت شده است (که مانعی در اعضاء او بوده است).

## تمرین دهم:

همانطور که فقهاء فرموده اند، شستن اعضاء وضو، بیش از دو مرتبه جایز نیست<sup>۱</sup>. حال اگر فرض شود که شخصی مدتها اعضاء وضویش را سه مرتبه می شست و بعداً فهمید که این کار جایز نبوده، تکلیف نماز هایی که با این وضو خوانده چیست؟ آیا به مقتضای لاتعداد می توان گفت نماز او اعاده ندارد؟

پاسخ به این سوال منوط به روشن شدن یک نکته است و آن اینکه آیا وضوی چنین شخصی شرعاً باطل هم بوده یا صرفاً کار حرامی انجام داده است و یا اینکه چون جاهل به حرمت این کار بوده، اصلاً کار او حرام هم نبوده است.

بنابر فرضی که وضوی چنین شخصی باطل نباشد و صرفاً کار حرامی کرده باشد، مسأله روشن است و نماز های او صحیح می باشد زیرا طهارت از حدث را داشته است؛ اما بنا بر این که وضوی چنین شخصی، ولو اینکه نمی دانسته، باطل باشد، باید گفت نماز هایی که این شخص با این وضو خوانده است به مقتضای حدیث لاتعداد، اعاده لازم دارد زیرا یکی از مواردی که در حدیث استثنا شده است، طهارت از حدث است که با نبودن آن باید نماز را اعاده کرد.

## تطبیق

۱۰- شخص کان یغسل أعضاء وضوئه ثلاث مرّات ثم التفت الی عدم جواز ذلک.

۱۰- شخصی اعضاء وضویش را سه مرتبه می شسته و بعداً ملتفت شده که این کار جایز نیست.

---

<sup>۱</sup> - توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۱، ص: ۱۵۵

## تمرین یازدهم:

گاهی اتفاق می افتد که شخص مکلف، به گمان اینکه وقت برای وضو گرفتن ندارد و اگر وضو بگیرد نماز او قضا می شود، تیمم می کند و نمازش را می خواند ولی بعداً برایش معلوم می شود که وقت برای وضو داشته است؛ همچنین گاهی به گمان اینکه وقت برای وضو دارد، وضو می گیرد و نماز می خواند ولی بعداً می فهمد که وقت او تنگ بوده و باید تیمم می کرده است؛ در چنین صورتی، نماز این مکلف، چه حکمی دارد؟

پاسخ به این سوال منوط است به اینکه وضو یا تیمم این شخص در این دو صورت از نظر فقهی صحیح است یا نه؟ اگر از نظر فقهی، گفته شد که وضوی این شخصی که در واقع باید تیمم می کرده ولی گمان به باقی بودن وقت داشته، صحیح است و یا تیمم کسی که باید وضو می گرفته ولی چون گمان می کرده که وقت نداشته، تیمم کرده، صحیح است، در این صورت، بدون اشکال، نمازی را که با این وضو یا تیمم خوانده صحیح است و اعاده لازم ندارد زیرا شرط طهارت از حدث را داشته است.

اما اگر از نظر فقهی ثابت شد که وضو یا تیمم این شخص، باطل بوده، آنگاه به مقتضای حدیث لاتعداد، باید گفت که نمازی که این شخص با چنین وضو یا تیممی خوانده است اعاده لازم دارد زیرا شرط طهارت از حدث را نداشته و طهارت از حدث از مواردی است که در صورت فقدان آن، به مقتضای لاتعداد باید نماز را اعاده کرد.

## تطبیق

۱۱- ما حکم من تیمم بدل الوضوء باعتقاد ضیق الوقت ثم انکشف سعته؟ و ما هو حکم العکس، آی من توضحاً بدل التیمم باعتقاد سعة الوقت ثم انکشف الخلاف؟

۱۱- حکم کسی که به اعتقاد تنگی وقت، تیمم بدل از وضو می گیرد و بعداً معلوم می شود که وقت، وسیع بوده چیست؟ و حکم عکس (مطلب قبلی) چیست؟ یعنی کسی که به اعتقاد وسعت وقت، به جای تیمم، وضو گرفته و بعداً خلاف آن (اعتقادش) معلوم شده است.